



عکس‌ها، ناصر سجادی حسینی

امید سهرابی و **امیر رضا طلاچیان** در گفت‌وگو با «شرق»:

«مهرآباد» دیوانگی دارد

آرزو مهرانگیز : سهریال «مهرآباد» به روزهای پایانی بخش نزدیک می شود و آنچه بیشتر از همه طی مدت‌زمان پخش موردتوجه قرار گرفته فیلمنامه سهرال است که رویکرد روایی متفاوتی را نسبت به سریال‌های متداول تلویزیونی در پیش گرفته است. فارغ از موفق یا ناموفق بودن این تجربه، جسارت نویسندگان در تجربه فرمی از روایت که ممکن است برای مخاطب تلویزیونی باعث پس‌زدن آن شود نشان از ریسک‌پذیری نویسنده، تهیه‌کننده و البته مدیران شبکه داشته است. هر چند این سریال در عنوان خود کم‌دی را یدک می‌کشد و همین موضوع تا حدی جذب مخاطب را به‌همراه دارد اما ژانر اصلی این سریال به ادعای نویسندگان ژانر کم‌دی درام است که همین باعث می‌شود مهرآباد از کم‌دی صرف فاصله بگیرد. در عین حال این سریال با پیش‌بردن داستان ۲۲ بازیگر اصلی در ۳۰ قسمت که داستانشان با یک تصادف به هم گره می‌خورد، بر ریسک‌پذیر ترشدن آن افزوده چرا که همین مساله باعث شده رتیم سریال آتقدر تند باشد که اگر ببیننده یک یا دو قسمت سریال را از دست دهد عملاً از مسیر اتفاقات دور بماند. این سریال را امید سهرابی با همراهی امیر رضا طلاچیان نگاشته است. به بهانه نقد این سریال به سراغ «امید سهرابی» و «امیر رضا طلاچیان» رفتیم.

خیلی سعی می‌کند که قضاوت نکند.

آما تا الان را در ایده‌های که آدم‌ها در این سریال یا در حال دروغ گفتن هستند یا پنهانکاری را یرا و تقلب. این یک نوع قضاوت درباره آدم‌های جامعه نیست؟

طلاچیان: نه. چون ما اگر ریاکاری نعیم را نشان می‌دهیم در کلان‌تر نشان می‌دهیم او چه گرفتاری‌هایی هم دارد. این قضاوت نیست. وقتی آن طرف حرکتی از او را نشان می‌دهی که در خلاف ریاکاری است یعنی از قضاوت دورش کردی. اما این مساله اصلی سریال هست که آدم‌های این سریال به واسطه دروغ‌هایشان گرفتار شده‌اند. اما دانا آدم‌های دروغ‌گویی نیستند.

سهرابی: از طرف دیگر هدف سریال این بود که اصالت فرد را در مقابل اصالت اجتماع تاثیراتش را بر یاد بگذرد. این نشان دهنده قضیه این است که چقدر اصالت اجتماع می‌تواند فرد را از اصالت تهی کند یا به‌اصالتش برگرداند. اصالت اجتماع با همه قوانین و محدودیت‌ها.

آ سریال مهرآباد یک تفاوت نگاه عمده روی شخصیت‌های زن و مرد دارد به گونه‌ای که زن‌های سریال کمتر آلوده به تزویر و دروغ هستند. این عمدی بوده؟

سهرابی: این را که ما فکر می‌کنیم زن‌ها در این سریال کمتر اشتباه می‌کنند یا دروغ می‌گویند هم بر اساس نگاه عرفی ماست. مثلاً وقتی «تارا» تصادف «کیا» را گردن می‌گیرد ما به حساب لوطی‌گری و مراعات می‌گذاریم در صورتی‌که از نظر قانون او تخلف می‌کند. یا در هر حال مینو با همه عاری‌بودن شخصیتش از دوز و کلک و با همه سادگی قبول می‌کند به خاطر شوهرش پولی را که دوست ندارد به واسطه بدهد تا آنها را به خارج ببرد. البته این را بگویم که در تاریخ درام، از زن‌ها کمتر انتظار کم‌دی می‌رود و شاید از این منظر تفاوت میان شخصیت‌های زن و مرد سریال وجود دارد. حالا به خاطر خصیصه



بحث کم‌دی درام یک بحث تئوریک ریشه‌دار است. اصولاً در تاریخ درام، به خود ژانر کم‌دی خرده‌انگاری شده است. وقتی درباره تراژدی صحبت می‌کنید تکلیفتان روشن است و قرابتش به قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد



آ از اول که این سریال به پخش رسید و در اطلاع‌رسانی‌ها، برچسب کم‌دی درام به این سریال زده شد. در حالی‌که مخاطب تلویزیون در نهایت با عناوینی مثل طنز یا خانوادگی یا پلیسی با سریال‌ها روبه‌رو می‌شود. داستان ژانر‌ها در دنیا جا افتاده است اما در کشور ما و حتی میان بسیاری از فیلمنامه‌نویسان بحث تئوریک چندان اهمیتی ندارد. حالا برای شروع بحث بگذارید بپرسم آنچه در کم‌دی درام مدنظر شما بود چه بود؟ چه چیز این ژانر را از کم‌دی یا درام جدا می‌کند؟

امید سهرابی: بحث کم‌دی درام یک بحث تئوریک ریشه‌دار است. اصولاً در تاریخ درام، به خود ژانر کم‌دی خرده‌انگاری شده است. وقتی درباره تراژدی صحبت می‌کنید تکلیفتان روشن است و قرابتش به قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. یعنی درام اساساً با تراژدی شکل گرفت اما نسبت به کم‌دی در فرهنگ جهانی یک خرده انگاری صورت گرفت. حتی در قرون ۱۶ و ۱۷ که کم‌دی‌هایی به صورت جدی نگاشته شد هم چندان مورد قبول واقع نشد. یعنی شما همین الان هم شکسپیر را با تراژدی‌هایش به یاد می‌آورید. انگار که کم‌دی خوشاوند غربی برای تراژدی بوده است. در ادبیات نمایشی مدرن هم که نگاه کنیم ریشه این نوع کم‌دی درام شاید به چخوف بازگردد که گرچه خودش مثلاً اول نمایشنامه‌هایش می‌نوشته کم‌دی در چهار پرده اما همان روزها هم «انسائیکلوپدی» آن را تراژدی اجرا می‌کرد.

اولین کسی که کم‌دی تراژدی به این صورت نگاشت را شاید بتوان بکت دانست با در «انتظار گودو» که همان موقع برای خیلی‌ها فضای آن گنگ بود و خیلی‌ها را سر در گم کرد. اما الان کم‌دی درام که ریشه در تراژدی کم‌دی دارد، خیلی در دنیا متداول است. علت پیدایش هم این است که از دوره‌ای به بعد این قومیل دور بودنشان لازم‌به هم نزدیک شد چون موقعیت‌هایی که خلق می‌شد را خیلی نمی‌توانستی تشخیص دهی که کم‌دی است یا تراژدی. کم‌دی کلاسیک بر مبنای هجو موقعیت بود ولی در زمان معاصرتر این موقعیت خودش هجو شده بود. می‌خواهم بگویم یک دوره‌ای شد که تراژدی مطلق و کم‌دی مطلق به بن‌بست رسید.

آ یعنی با تغییر شرایط زندگی انسان معاصر شرایط درام هم تغییر بنیادین کرد. بله، از این منظر این دو شیوه در شکل مطلقش زیر سوال رفت. در دوره‌ای اساساً تراژدی متعلق به طبقه اشراف بود. از وقتی انسان خرد و طبقه پایین جامعه، حق داشت که وارد درام شود تراژدی از شکل مطلقش خارج شد و مثلاً مرگ فروشنده «آرتور میلر» به شکل گرفت که در آن مصیبت از حدی بیشتر شد و به کم‌دی نزدیک شد. این به معنای این نیست که دوره هجو و هزل و کم‌دی صرف به پایان رسیده اما پیوند تراژدی و کم‌دی به این دلیل بود که هر دو اینها از قالبی‌بودن شکل تقدیری نجات پیدا کنند. چون همان‌قدر تراژدی مطلق می‌تواند تقلبی باشد که کم‌دی مطلق. وضعیت انسان‌ها اینقدر مصیبت‌بار یا خنده‌دار نیست. این چیزی بود که از دوره‌ای دیگر درام‌نویس‌ها به آن فکر کردند.

آ وقتی داشتید شخصیت‌ها و بعد داستان آنها و اتفاق اصلی را پیدا می‌کردید چقدر به وضعیت جامعه مراجعه کردید؟

امیر رضا طلاچیان: همین الان که داشتیم سایت‌ها را چک می‌کردم دیدم بالای صد درام خوب در آمریکا در ژانر کم‌دی درام وجود دارد.

ببینید شاید اولش بشود گفت این شکل از وضعیت با چخوف شروع شد و متاخرتر بگویم با «برنارد شاو» یا «ایسن». به نظر ما آدم‌ها هر چقدر از زندگی واقعی دورتر شدند، بیشتر دنبال واقعیت و بازتابی آن در درام گشتند. یعنی از وقتی در زندگی مصنوعی و تکنولوژی گرفتار شدند بیشتر دنبال زندگی به صورت واقعی‌ترش در درام گشتند. پیدایش کم‌دی درام هم پاسخ به این نیاز است. چون زندگی ترکیبی از کم‌دی و تراژدی است.

سهرابی: شما ببینید یک مثال آشنا هست که می‌گوید پولی که یک خوشبختی پیدا کرده یک بدبختی گرم کرده است. شما می‌توانید وسط بایستید و هر دو طرف را ببینید. کم‌دی درام این امکان را به تو می‌دهد که در کت از واقعیت را به شکل ملموس‌تری بیان کنی. حالا ممکن است از این‌هایی به واقعیت بیفزایی که به عنوان درام‌نویس باید این کار را بکنی. اما امکانش را داری که زندگی را آنگونه که هست نشان دهی. طبیعی است در این صورت دستت باز است که اشک‌ها و لبخندها بیافرینی. در این شکل بیشتر شخصیت‌ها یا کمی مصیبت زده‌ان یا خنثی که تکرار هر دو اینها به کم‌دی می‌انجامد.

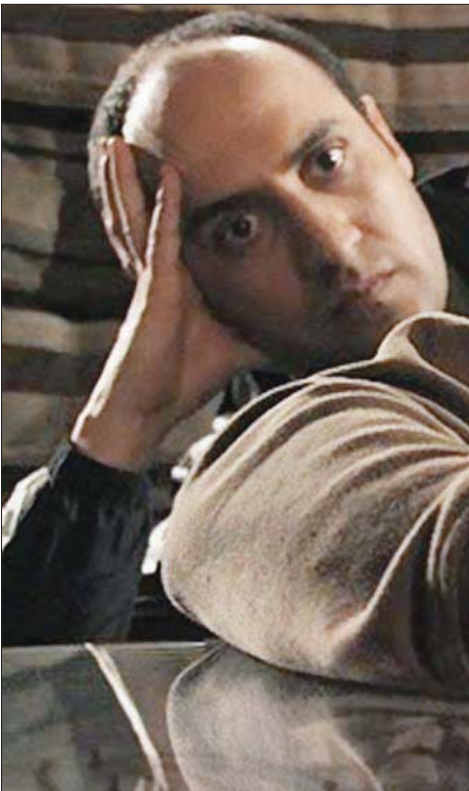
آ در مهرآباد شما انتخاب کردید وسط بایستید و داستان آدم‌ها را بگوئید اما بعضی وقت‌ها به طرف طاهر یا نعیم یا تارا و… می‌روید. این تعادل وسط ایستادن را چطور حفظ کردید؟

طلاچیان: خب طبیعی است در روند درام وقتی می‌بینید طرفی شلوغ شده می‌روید آن سمت. ما در بخش‌هایی دیدهایم نعیم خودش را جلو ماشین‌ها می‌اندازد تا از آنها پول بگیرد. حالا بخش‌هایی به او نزدیک می‌شویم تا بخش دیگری از گرفتاری‌های شخصی او را ببینیم. این اتفاقاً یعنی وسط ایستادن.

آ در واقع هدف اصلی شما عدم قضاوت است؟

سهرابی: دقیقاً نویسنده خوب مثل پشه است. روی دیوار جایی باید بنشیند که هم همه‌جا را ببیند و هم شکار نشود. وسط ایستادن معنایش این نیست که بخش‌هایی را از دست بدهی بلکه معنایش عدم قضاوت است. در نویسندگی مدرن که باز هم باید ایسن را پدر آن بدانیم، قضاوت در آثار کم و کمتر می‌شود. قطعاً این قضاوت به صفر نمی‌رسد چون نویسنده صاحب دیدگاه و زیبایی‌شناسی خودش است اما تلاش می‌کند. مهرآباد

تلویزیون



عکس‌ها، ناصر سجادی حسینی

از مادرانه تا خروس

از امروز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۴ قمری آغاز شده است و مجموعه‌هایی که به‌مناسبت ماه رمضان امسال آماده رفتن روی آنتن شده است؛ آغاز می‌شود؛ مجموعه‌هایی که امسال تم کم‌دی و ملودرام و البته ماورایی دارند. البته امسال هم مانند سال گذشته مسوولان شبکه‌های مختلف سیما به دلیل نزدیک بودن اذان به ساعت ۲۱ یا ۹ شب با مشکل زمان روبه‌رو هستند و همان‌گونه که پیش از این پیش‌بینی می‌شد شبکه تهران که «شاید برای شما هم اتفاق بیفتده را آماده کرده بود؛ از رده شبکه‌ها حذف شد. البته شبکه تهران نام «دروازه بهشت» را هم اعلام کرده بود. اما در رقابت به‌دست‌آوردن ساعت بعد از افان امسال هم شبکه سوم سیمیا بود که توانست بهترین ساعت را به‌دست آورد. سریال این شبکه که نخستین سریال بعد از اذان است؛ کاری ملودرام از جواد افشار با نام «مادرانه» است.

زن پولدار همسر سابق

مادرانه جواد افشار که سال پیش «سی‌امین روز» را در ماه رمضان آماده کرده بود؛ مانند خیلی از مجموعه‌های ملودرام اجتماعی مضمون خیانت و طلاق را برای خود برگزیده است. این فیلم که نوشته سعید نعمت‌الله است داستان اردلان تمجید (با بازی مهدی سلطانی) ۲۰سال پیش، پس از رها کردن نامزد سابقش مریم (شقایق فراهانی)، با زنی متمول به نام رعنا (لعیا زنگنه) ازدواج می‌کند. حال‌این ازدواج به جدایی رسیده و زن، بچه‌هایش را می‌خواهد اما مرد امتناع می‌کند.

تهیه‌کننده ایسن مجموعه محمدرضا شفیعی است که پیش از این سریال بر مخاطب «اجراحت» را روانه آنتن شبکه سوم سیما کرده بود. مهدی سلطانی، لعیا زنگنه، شقایق فراهانی، مهرداد ضیایی، عباس غزالی، آتیلا پسیانی و هسستی مهدوی‌فر بازیگران این فیلم هستند.

خروس بی محل یا با محل

شبکه دوم سیمیا برخلاف هر سال



که مجموعه‌ای اجتماعی را آماده نمایش می‌کرد؛ امسال به سراغ تم طنز رفته است. «خروس» به کارگردانی سعید آقاخانی، نوشته مصطفی کیایی و به تهیه‌کنندگی علیرضا ابراهیمی‌دلچاهی مجموعه‌ای است که از این شبکه پخش می‌شود.

خروس که گروه‌های بازیگران کم‌دی تلویزیون و سینماست روایت جالبی از زندگی پدری است که دچار مشکل غیرمعتدلی می‌شود. این مشکل خانواده را به تکلیو می‌اندازد و پسر خانواده با همفکری دوستانش تلاش می‌کند تا چاره‌ای برای رفع این مشکل ببیند. در نقش پچه‌ها، مغز متفکر یک خروس است. حمید لولایی، جواد رضویان، یوسف تیموری، اکبر اکبری‌مبارکه، مرضیه صدایی، سیدنتی امیرسلیمانی، مهسا کریم‌زاده، ملیکا شریفی‌نیا، دانیال معصومی، سیروس میمنت، بهشاد شربنی، حمید یقوینی، کریم قربانی، عاطفه قربانی، عزت‌الله مهرآوران، بیتا خردمند، اصغر حیدری، سادیا جلالی‌پور، ابراهیم نقیعی، دلوه مقدادی و علیرضا درویش بازیگران این سریال هستند.

۲ خانواده سادساده

محمدحسین لطیفی که در دو سال گذشته وقتش را صرف ساخت مجموعه «قلب یخی ۲» و «ساخت ایران» کرده بود؛ با «دودکش» به تلویزیون برمی‌گردد. دودکش درباره دو خانواده‌ای که زندگی ساده‌ای دارند و با قالی‌شویی را اداره می‌کنند، اما هر بار ماجراها و مسایلی برای آنها اتفاق می‌افتد که داستان این سریال را تشکیل می‌دهد. هومن برق‌نورد، بهنام تشکر، امیرحسین رحیمی، سیمیا تیرانداز، نگار امیدی، الناز حبیبی، جواد عزتی، محمدرضا شیرخلو، یاس نوروزی، رویکا محمدی، نصرت میرظعی، سیدرضا حسینی و نوید خدانشناس بازیگران این سریال هستند که قرار است در ماه رمضان از شبکه اول سیما روی آنتن برود.

ادامه از صفحه ۸

می‌خواستیم ریسک کنیم

آ اما با توجه به اینکه نیکي کریمی اصلاً تجربه صحنه نداشت نوعی ریسک نبود؟

کیخایی: کمی تردید داشتیم اما تصمیم گرفتیم ریسک کنیم. چون به‌هرحال کارگردان باید در جاهایی ریسک کند. در نهایت با ایشان تماس گرفتیم و متن را برایشان فرستادم. به همین سادگی اتفاق افتاد و وقتی ایشان سر تمرین آمدند دیدم که چقدر تلاش می‌کنند و زمان می‌گذارند. برای نقش تام هم خیلی فکر کردم که چه کسی می‌تواند باشد و با احمد ساعتچیان تماس گرفتیم. قبل از این هیچ‌وقت تجربه کار با ایشان را نداشتیم. خوشبختانه احساس می‌کنم در «شام با دوستان» همه سر جایشان هستند.

آ این را درمورد «مرد بالشی» هم می‌شود گفت. مثلاً من فکر می‌کنم هیچ‌کس جز پیام دهکردی نمی‌توانست توپولسکی را بازی کند.

کیخایی: از ابتدا قرار بود پیام دهکردی بازی کند. آن زمان وقت نداشت. با حسن معجونی برای توپولسکی صحبت کردیم. اما چون آقای معجونی نمی‌توانست در زمان اجرای ما باشد و در زمان اجرا پیام دهکردی زمانش آزاد بود، جایگزین حسن معجونی شد. وقتی کار را خواندم نوید محمدرانه را با شناختی که از بازی او داشتم برای اریل انتخاب کردم اما وقتی کار شروع شد نوید به من گفت می‌خواهم نقش مایکل را بازی کنم؛ نقشی که الان علی سرایی بازی می‌کند. قبل از پیوستن محمد یعقوبی به کار حسن معجونی در نقش توپولسکی، علی سرایی در نقش کاتوریان، داریوش موفقی در نقش اریل و نوید محمدرانه در نقش مایکل بازی می‌کردند. بعد نقش‌ها جابه‌جا شد و داریوش در نقش کاتوریان، پیام دهکردی توپولسکی، علی سرایی مایکل و نوید محمدرانه «اریل» شد. تا جایی تمرین کردیم ولی داریوش موفقی پایش آسیب دید و دیگر نتوانست با ما باشد. ما دیگر نقش‌ها را جابه‌جا نکردیم. بازیگرها با نقش خودشان عینین شده بودند. فقط به جای داریوش موفقی از احمد مهرانفر دعوت کردیم.

یعقوبی: اعتقاد دارم بازیگران باتجربه می‌توانند رصد زیادی از نقش‌ها را از آن خود کنند. به همین دلیل همان‌قدر که پیام دهکردی در نقش توپولسکی خیلی خوب است اگر حسن معجونی هم بازی کرده بود، این توان را داشت کاری کند که شما بگویید به جز او کسی دیگر نمی‌توانست این نقش را بازی کند.

آ حتما توپولسکی‌ای که آقای معجونی بازی می‌کرد با توپولسکی‌ای که پیام دهکردی بازی می‌کرد، متفاوت بود.

کیخایی: این ویژگی یک نمایشنامه خوب است که دو بازیگر کاربلد می‌توانند جوری نقش‌ها را بازی کنند که هر دو پذیرفتنی و دیدنی باشد.

یعقوبی: این امکانی است که سیمنا از آن محروم است. چقدر خوب می‌شد تا‌ت‌ما به جایی می‌رسید که اگر مثلاً صد روز اجرا داشتیم دست‌کم سه بازیگر برای هر نقش آماده ششوند. اینکه شما چند بازیگر خوب برای هر نقش داشته باشید هم تا‌ت‌را دیدنی‌تر و جذاب‌تر می‌کند، هم اجرای تا‌ت‌را را برای بازیگران آن کار ممکن‌تر. چون بازیگران می‌توانند با خیال راحت بازی در تا‌ت‌را را ببینند، دیگر نگران نخواهند بود. مسوولیت بازی در تا‌ت‌را مانع دعوت از آنان برای بازی در فیلم شود.

کیخایی: در «شام با دوستان» می‌خواستیم این کار را انجام دهیم که بازیگران نقش‌ها را یک شب در میان بازی کنند. که به‌خاطر محدودیت زمان امکان پذیر نشد. احساس می‌کردم این چهار بازیگر این ویژگی را دارند که بتوانند نقش مقابل‌شان را بازی کنند. اگر این کار اتفاق می‌افتاد، جالب بود.

یعقوبی: ما روز اول به پیام دهکردی گفتیم تو برای نقش کاتوریان خیلی خوب هستی اما دقیقاً می‌خواهیم این کار را نکنی. می‌خواهیم در نقشی بازی کنی که به حال نبودی و درواقع ریسک‌پذیری خودمان را به‌ما باز بدیم، پیام هم اهل ریسک است. می‌خواهم این بحث را به بحث دیگری ببیند. زنم، اینکه می‌گویم چقدر خوب بود چند بازیگر برای یک نقش داشتیم، یک رفتار تجربی با تا‌ت‌را و فوق‌العاده آموخته‌اند.

آ پیام دهکردی بافلاصه بعد از تا‌ت‌را سه‌گانه اورنگ به گره شما اضافه شد که در آن اجرا هم نقش خیلی سختی را داشت که خیلی با توپولسکی نقش متفاوت است. به‌نظرم یک بخشی از آن مربوط به خودش و یک بخش مربوط به هدایت گروه و کارگردانی است. چه پرسوهای اتفاق می‌افتد که یک بازیگر می‌تواند در عرض یک ماه دو نقش کاملاً متفاوت را بازی کند؟ **یعقوبی:** یادم است وقتی سه‌گانه اورنگ محمد حاتم‌ی را دیدیم – و چه خوب که دیدم – به پیام دهکردی گفتم دقیقاً این کارها را نباید در «مرد بالشی» انجام دهی. چون تماشاگر از تو این نوع بازی را دیده، اگر سال قبل این نمایش را بازی کرده بودی شاید این حساسیت را نداشتیم. اما تماشاگر هفته قبل در ایران‌شهر از تو یک بازی را دیده که فوق‌العاده انرژی‌بخش و هیجانی و الان می‌خواهم این نوع بازی تکنیکی و آن انرژی فروانی که در سه‌گانه داری در این کار حذف شود.

کیخایی: پیام دهکردی بسیار بازیگر منطقی است. هر چه می‌گفتم حتی اگر خلاف گفته روز قبل‌مان بود، انجاش می‌داد. ۱۰ روز قبل از اجرا من هنوز راضی نبودم. مقام به آقای یعقوبی می‌گفتم نباید پیام دهکردی اینجا جدی باشد و داد بزند یک روز از او خواستیم هیچ کاری نکند. پیام نداد که اگر هیچ کاری نکند دیگر بازیگری نیست. گفتیم فقط امروز هیچ کاری نکن. کارهایی که تا به حال انجام داده‌ای در تو دشمنین شده و خیلی ظریف دیده خواهیم شد. **یعقوبی:** روزهای اول تمرین من به شوخی به پیام گفتم ما می‌خواهیم در این کار پیام دهکردی‌زایی کنیم. می‌خواهیم تماشاگر پیام دهکردی تازه‌ای ببیند. او خودش را به ما سپرد. واضح است که او این نقش را بازی کرده پس مدیون خودش است، مدیون توانایی خودش و پیام دهکردی‌بودنش، و مدیون اعطاف، ریسک‌پذیری و اعتمادی که به ما کرد.

کیخایی: قیفا و چون بازیگر منطقی است و همه نقش‌های مختلف را با هزاران حس بازی کرده است. اینکه به قول آقای یعقوبی بپذیرد پیام‌زایی شود و آن کارها را انجام ندهد ت‌رندان‌به کار سختی بود، به همین دلیل در این کار می‌درخشد.

یعقوبی: روزهای اول نگران بود. نگرانی‌اش روزی رفع شد که اولین بازی‌اش را برای تماشاگران انجام داد و تماشاگران چنان تشویقش کردند که مطمئن شد پیام دهکردی توان کرده است.

آ یاد می‌کنم مهرانفر یک مقدار خاصیت تیپ‌گرفتن و کم‌دی‌بودن را دارد.

در «مرد بالشی» هم در جاهایی مانند گشتن برادرش را خیلی خوب بازی کرده و شنیدم خیلی از کسانی که برای تماشا آمده‌اند، این صحنه را نگاه نمی‌کنند. اما صحنه‌ای که برادرش را کشته و به صحنه برمی‌گردد، به‌نظر بازی از دستش در رفته است.

یعقوبی: به‌نظرم حضور پیام مهرانفر بیش از بازیگران دیگر ریسک‌پذیری ما را نشان می‌دهد. از او دعوت برای بازی در نقشی کردیم که گمان نمی‌کنیم پیش از این بازی کرده باشد. به هر حال احمد دیر به گروه ما پیوست و شبی که شما بازی‌اش را دیدید شب‌های اجرا اجرا بود. ما تغییر هر روزه او را می‌بینیم. روزهای اول اجرا انگار کمی اعتمادبنفش‌ش را از دست داده بود. شاید چون یکسری نقدهای منفی دربارشان نوشته شده بود ولی او تلاش کرد و الان نقدها مثبت شده است.

آ همیشه خاتم کیخایی بازی کرده و شما کارگردان بودید. در این اجرا هر دو کارگردان هستید. کار کارگردانی یک مقدار ریزه‌کاری دارد. در این مورد توضیح بفرمایید که چطور این اجرای خوب را روی صحنه آوردید؟

یعقوبی: چندین‌بار از ابتدا خواسته بودم که با هم کارگردانی کنیم. معتقدم اگر یک بازیگر بخواهد کارگردانی کند به شرطی که روحیه و دید کارگردانی داشته باشد، به‌مراتب بهتر از کارگردانی است که کمتر تجربه بازیگری دارد. چون جزییاتی را می‌بیند و رعایت می‌کند که کارگردان ممکن است رعایت نکند. به همین دلیل اعتراف می‌کنم نقش این‌دا در «مرد بالشی» خیلی برجسته است.